



۲۰۱۷/۰۲/۲۴



ولی احمد نوری

## فارو، در دفاع از قانون، بی خبر از حال زار قانون!

آیا باور دارید که مهمترین اصل حقوقی مردم در قانون اساسی افغانستان همانا انتخاب رئیس جمهور است که بر طبق آن پس از انجام صحیح و سالم انتخابات و مشخص شدن نتایج نهائی، تعیین کابینه و دیگر نهاد های حکومت جهت پیش برد وظایف شان از سوی رئیس جمهور شکل می گیرد؟ بدون شک تردیدی در ذکر مطلب بالا نخواهد بود و فارو به حیث یک تشکل، نه به حیث یک فرد می باید آنچه را که بر سر قانون و انتخابات سال ۲۰۱۴ آمد، بگوید و اگر احیاناً فراموش کرده باشند باید به یاد شان آورده شود که ارباب اصلی افغانستان یعنی حکومت امریکا به نسبت نافرمانی و ناهمپی حامد کرزی، دیگر نمی خواست او برای بار دوم به قدرت برسد، بلکه جانب عبدالله را داشت زیرا از تجربه گذشته می دانستند که عبدالله و دار و دسته جمعیت اسلامی و شورای نظاری ها را می شود با پرداخت یک مشت دالر، ارزاتر خرید و هرچه به او هدایت دهند از هیچ کاری و حتی از بمباردمان خانه ها و کشتار زن و مرد و طفل بیگناه افغانستان دریغ نخواهند کرد.



بهر حال از توضیحات بیشتر می گذریم فقط از دور دوم انتخابات که داکتر عبدالله حاضر نشد و استعفی داد یاد آور می شویم:

همه به یاد داریم که در انتخابات سال ۲۰۱۴ تصمیم دار و دسته جمعیت و حامی خارجی شان برای رساندن عبدالله به مقام ریاست جمهوری افغانستان که خود گفته بود «حتی اگر تکه تکه شوم از حق خود نمی گذرم» چنان جنجال و فضای ترس را خلق کردند که حامی خارجی شان جان کری وزیر خارجه امریکا در یک هفته دو بار به کابل آمد و سر انجام توافق نامه ای صورت گرفت که مطابق آن، خلاف حکم صریح قانون اساسی، با تشکیل به اصطلاح حکومت ائتلاف ملی (که در حقیقت باید [حکومت اختلاف ملی] اش خواند)، محمد اشرف غنی به نام رئیس جمهور و عبدالله به نام رئیس اجرائیه هر یک مساویانه با پنجاه پنجاه فی صد صلاحیت تا مدت دو سال اجراء نموده و در این مدت زمینه را برای تشکیل لویه جرگه به منظور اصلاح قانون اساسی فراهم نمایند.

حال اگر با ذکر این مختصر موافق باشید، همه باید بپذیریم که حکومت موجود بر وفق قانون اساسی به وجود نیامده است و کارهای آن به کلی غیر قانونی است. بنا بر این، می رسیم به اولین بند اعلامیه شما که برای بالا بردن وزن

آن از «تقاضا و تمایل عده کثیری از انجمن ها و اعضای انفرادی یاد کرده اید که به متن توافقنامه دولت افغانستان و حزب اسلامی گلبدين حکمتيار در پرتو قانون اساسی . . . از جهات مختلف عيوب بنيادی متعددی دارد» مگر نشنیده اید که به شتر گفتند گردنت کج است، در پاسخ گفت کجایم راست است؟

شما قانون دان های محترم که در توافق نامه حکومت افغانستان با حزب اسلامی گلبدين «معایب» می بیند.

■ آیا اعتراض تان فقط در «معایب» توافقنامه است؟

■ آیا لازم نبود قبل از این که نگاه تان را به «معایب» توافق نامه بیاندازید؟

در صورتی که جرم و جنایات گذشته احزاب و گروه ها و افراد مطرح است، آیا لازم نبود که نظر تان را در مورد اعمال جنایت بار دولت «دموکراتیک خلق و پرچم»، تجاوز نظامی دولت شوروی سابق، اعمال «حزب اسلامی گلبدين حکمتيار»، «جمعیت اسلامی به رهبری برهان الدین ربانی»، «حزب وحدت به رهبری عبدالعلی مزاری - محمد کریم خلیل و حاجی محمد محقق»؛ «تنظیم سه گانه مولوی محمد نبی محمدی، حضرت صبغت الله مجددی، پیر سید احمد گیلانی»، گروه عبدالرشید دوستم؛ گروه عبدالرسول سیاف، طالبان و غیره گروه های ساخت پاکستان و ایران هم اشارتاً بیان می کردید؟ و یا به سخن دیگر آیا بهتر نبود انجمن محترم فارو قبل از پرداختن به توافق نامه مذکور یک ابراز نظر بیطرفانه و توضیح مختصری در مورد چگونگی سوابق تاریخی هر یک از گروه ها و احزاب ارائه می نمود، تا روشن می گردید که هر کدام دارای چه اوصاف و خصوصیتی بوده اند؟ که مثلاً امروز «اعضای جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی، حزب وحدت حاجی محمد محقق، رشید دوستم و غیره با چه حق در چه جایگاهی در دولت قرار دارند؟

عجیب است که چشم شما تازه در مورد حزب اسلامی گلبدين حکمتيار باز شده است که تنها جرم و جنایات گذشته آنرا دیده و به زعم خود تان به اساس آن جرم و جنایات «پایه کامل قانونی ندارد» پس حق توافق با دولت را هم صلاحیت ندارد. این درست اما آیا آنهایی که هر کدام پشتاره هایی از جرم و جنایات را با خود داشتند و در این پانزده سالی که گذشت در همه مقامات دولت قرار داشته و دارند و از هیچ جرم و خیانتی ابا نورزیده اند، حق قانونی در مقامات رهبری دولت را دارند؟

فارو می بایست ضعف اداری، تغافل های سیاسی و مصلحت گرایی های بی موجب و خلاف ارزش های ملی، ارجحیت منافع سمتی، قومی و حتی نرزش سیاسی در مقابل همسایگان طماع بر منافع ملی و در نهایت، گسیختن افسار وحشیان گروهی و توپک سالار های تنظیمی را که حامد کرزی، این طفل کودکستان سیاست افغانی در سه دور شرم آور به اصطلاح زمامداری اش مرتکب شده است ولی هنوز هم "شیوه راه رفتن" را نیاموخته است و افغانستان را با سر در پرتگاه بی سر و سامانی سقوط داد و برای اشرف غنی میراثی بر جا گذاشت که بیشتر، اوقات گرانبهایش صرف زدودن اشتباهات و گشودن گره های ندانم کاری های کرزی می گردد، یاد آوری می کرد.

فارو باید می نوشت که شورای عالی صلح این بنیاد سرا پا خنثی به ریاست مرحوم سید احمد گیلانی که غیر از مراسم دعا خوانی و گردهمائی های نماز خوانی و پلو خوری ها و محفل های چای نوشی، دیگر کاری نداشت و ندارد و نکرده است و در اصل مبتکر و مؤلف این توافقنامه است چی چیزی را درین فیصله به بنیاد منافع ملی گنجانیده است که تیمار بیوه زنی و غمخوار یتیمی می گردید که شیرازه خانوادگی اش را در مسابقات خون ریختن، قتل و غارت و چور و چپاول تنظیمی از دست داده اند که بین احمد شاه مسعود این قهرمان بربریت و گلب الدین این جلاذ انسانیت



باید پرسید: مگر آیا آنهایی که در بالا از آنها نام برده شد و غیر از خونریزی هیچ کار مثبتی به نفع مردم و کشور انجام نداده اند و در مدت پانزده سال نه تنها دولت را بلکه همه دارایی های کشور را به تاراج برده اند از شهرت خوبی نزد مردم و جهان برخوردار بودند و هستند؟

➤ ۴- فارو می فرماید: «با قبولی و دادن مصونیت قضایی به حزب اسلامی و بزرگان دست اول آن که مظنون به ارتکاب جنایات جنگی و جرائم مندرج در اساسنامه محکمه جزائی بین المللی اند، نه تنها فرهنگ معافیت در نظام کنونی کشور گسترده تر شده و جنبه رسمی می یابد، بلکه از اعمال و افعال مرتکبه توسط رهبری و برخی از اعضای حزب اسلامی جرم زدایی میگردد، این تحول در عرصه تعقیب جنایات علیه بشریت در افغانستان به متهمینی که تا حال به محاکمه کشانیده نشده اند، اطمینان محکمی را مبنی بر انفاذ معافیت فراهم خواهد ساخت».

انجمن محترم فارو:

- آیا به غیر از حزب اسلامی، دیگر احزاب و گروه ها که در دولت حضور بهم رسانیده اند مظنون به هیچ جرم و جنایتی نیستند؟
- و اگر هستند چرا این همه سازمان های دفاع از حقوق بشر و مبارزه علیه جرم و جنایات از جمله محکمه لاهه در هالند آنها را تعقیب و به جزا سوق نمی دهند؟
- شاید همه منتظر حزب اسلامی بوده اند که توافق نامه را با دولت امضاء کند بعد اقدام خواهند نمود!!

کاش این قضایا تا کنون تحقیق و تعقیب شده می شد زیرا همه مردم مظلوم افغانستان از جرم و جنایات هر کدام شان هزاران داغ در دل و در دماغ دارند.

خلاصه اگر آن زمان که قشون سرخ خون آشام شوروی در افغانستان شکست خورده و با روی سپاه به کشورش برگشت و چندی بعد حکومت دست نشانده آن، داکتر نجیب الله نیز سقوط کرد و نماینده سازمان ملل به همه گروه های افغانی هشدار داد که تا یک تجویز اساسی هیچ گروهی وارد شهر ویران کابل نشود، اما شنیدیم و دیدیم که به دستور دولت شوروی و به دعوت بازماندگان حکومت سقوط کرده داکتر نجیب اولتر از همه احمد شاه مسعود را با دار و دسته اش شتاب زده وارد کابل ساختند و متعاقباً دیگران که از قدرت بازمانده بودند شروع کردند به هر نوع جنگ و جنایت که در نتیجه شهر کابل با بیشتر از شصت هزار باشندگان با خاک و خون یکسان شد.

بناءً دور از انصاف خواهد بود که با "الله بلا در گردن ملا" گفتن تمام مسؤولیت را تنها به گردن اشرف غنی انداخته و از عوامل متعدد دیگری که منجر به تألیف همچو توافقنامه می گردد چشم پوشی کرد. این کم آبی و این حاتم بخشی ها به یک جریانی که تا آرنج، دست در خون افغان و ریشه در ساق های دیگری دارد. نفوذ حزب در ارگان های دولتی، گذشته مشترک و همکاسه بودن اکثر اعضای شورای نام نهاد عالی به اصطلاح صلح با حزب اسلامی، فشار اجنبی ها و امثالهم.

پایان